



قهرمان

بابای من آتش نشان است
او بهترین بابای دنیاست
هر جای شهر آتش بگیرد
بابای خیلی خوبم آنجاست

گرم و دود و شعله‌ی داغ
آتش نشانی شغل سختی ست
اما نمی دانم چرا ترس
توی دل بابای من نیست

ای کاش اصلا هیچ جایی
روی زمین آتش نگیرد
ای کاش هیچ آتش نشانی
در شعله‌ی آتش نمیرد

وقتی که شب‌ها می رود او
آرام و باخنده سرکار
آهسته می گویم خدا جان
او را خودت سالم نگهدار



منیره هاشمی